



مشخصات لایحه

دوره هشتم - سال چهارم

شماره ثبت:

۶۲۲

شماره چاپ:

۱۷۸۵

تاریخ چاپ:

۱۳۹۰/۹/۲۷

نام دفاتر:

مطالعات اقتصادی

مطالعات حقوقی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۲۰۱۲۱۶۴

تاریخ انتشار:

۱۳۹۰/۱۰/۱۸

به نام خدا

اظهار نظر کارشناسی درباره:

«لایحه اجازه افزایش سهام ایران در بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (IBRD) و

مؤسسه توسعه بین‌المللی (IDA) از مؤسسه‌های وابسته به گروه بانک جهانی»

مقدمه

یک فوریت لایحه مورد بررسی در جلسه علنی مورخ ۱۳۹۰/۹/۲۲ مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و برای بررسی به کمیسیون‌های مربوطه ارجاع شد. براساس لایحه مقرر شده است حدود ۹۸ میلیون دلار بابت افزایش سرمایه عمومی و موردی در بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (IBRD)^۱ و پذیره‌نویسی سهام مؤسسه توسعه بین‌المللی (IDA)^۲ از محل منابع داخلی بانک مرکزی اختصاص یابد. هدف از این کار، حفظ قدرت رأی و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در مؤسسات مذکور عنوان شده است. بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که سهم و سرمایه ایران در گروه مدیران اجرایی (ED16)^۳ بیشترین بوده (۶۶ درصد سهم ایران در گروه با ۲۳۹۳۶ حق رأی از مجموع ۵۱۵۴۴ حق رأی گروه) و تا سال ۱۳۸۴ توانسته است به نحو شایسته‌ای از منابع بانک جهانی بهره ببرد، اما براساس اطلاعات موجود از سال ۱۳۸۴ به بعد و با روی کار آمدن دولت اصولگرا روابط بانک جهانی با ایران کمرنگ شده است. واقعیت‌های موجود بیانگر این حقیقت است که بانک جهانی در برخورد با ایران روابط دوگانه‌ای را در پیش دارد و عمدتاً در دوران جنگ و انقلاب نیز همسو با کشورهای متخاصم حرکت کرده است. در شرایط فعلی با توجه به عدم تعامل مناسب بانک جهانی برای استفاده کشورمان از سهام خود، افزایش چنین سرمایه و سهامی از جنبه اقتصادی توجیه چندانی ندارد، اما برای حفظ جایگاه جمهوری اسلامی ایران و سهمیه این کشور در مجامع بین‌المللی افزایش این سرمایه و سهمیه ضرورت دارد؛ لذا تصویب آن در راستای مصالح جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

۱. بررسی جنبه‌های اقتصادی لایحه

جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۲۴ به عضویت بانک جهانی درآمد و از طریق پذیره‌نویسی سهام بانک هم‌اکنون دارای ۲۳۶۸۶ سهم (۱/۴۸ درصد از کل سهام بانک جهانی و ۴۶ درصد از سهام گروه (ED16)) به ارزش ۲/۸۵۷ میلیارد دلار آمریکاست. بابت این میزان سهم، مبلغ ۱۷۵/۸ میلیون دلار از سوی ایران به بانک پرداخت شده و مابقی تنها در صورت نیاز بانک به تقویت منابع مالی خود و براساس روال قانونی خاصی پرداخت خواهد شد. قدرت رأی ایران بین کشورهای گروه مدیران اجرایی (ED16) ۱۶ به شرح ذیل است:^۴

1. International Bank for Reconstruction and Development (IBRD)
2. International Development Association (IDA)
3. Executive Directors
4. [http:// www.investiniran.ir](http://www.investiniran.ir)

جدول میزان حق رأی ایران در ED16

کشور	ایران	پاکستان	الجزایر	مراکش	غنا	تونس	افغانستان	مجموع
تعداد حق رأی	۲۳۹۳۶	۹۵۸۹	۹۵۰۲	۵۲۲۳	۱۷۷۵	۹۶۹	۵۵۰	۵۱۵۴۴
درصد از کل	۱/۴۸	۰/۵۹	۰/۵۹	۰/۳۲	۰/۱۱	۰/۰۶	۰/۳	۳/۱۹
درصد در گروه	۴۶	۱۸/۴	۱۸/۴	۱۰	۳/۴	۱/۸	۰/۹	-

مأخذ: سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های فنی و اقتصادی ایران.

چنانچه ملاحظه می‌شود فاصله سهم و حق رأی ایران با کشورهای عضو گروه مدیران اجرایی ۱۶ بسیار زیاد و در حدود ۴۶ درصد است. همچنین سهم ایران در کل سهام بانک جهانی پایین و در حدود ۱/۴۸ است. با عنایت به موارد فوق درخصوص سرمایه جمهوری اسلامی ایران در بانک جهانی، ایران از زمان عضویت تاکنون با استفاده از منابع مالی بانک اقدام به اجرای ۳۳ پروژه تا پیش از انقلاب اسلامی به ارزش تقریبی ۱/۲ میلیارد دلار (از سال ۱۳۲۴ تا سال ۱۳۵۷) و ۱۸ پروژه بعد از انقلاب اسلامی به ارزش تقریبی ۲/۲ میلیارد دلار (از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۴) کرده است. همچنین بانک جهانی طی سال‌های ۱۳۷۱ لغایت ۱۳۸۳ نیز به ۱۸ پروژه در ایران کمک‌های بلاعوضی به ارزش تقریبی ۹ میلیون دلار اعطا کرده است.

۲. بررسی جنبه‌های حقوقی لایحه

از بعد حقوقی نکات ذیل درخصوص لایحه مطرح است:

۱. در بند سوم ماده واحده به این مسئله که «مشارکت در برنامه‌های آتی افزایش سرمایه در مؤسسه‌های...» مذکور «... با پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و تصویب هیئت وزیران از محل منابع داخلی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مجاز خواهد بود...» اشاره نموده است. بر این بند یک ایراد وارد است: ایراد در رابطه با نحوه تصویب این «افزایش سرمایه» است. بنا بر روش پیش‌بینی شده در این بند اولاً عبارت «مشارکت در برنامه‌های آتی افزایش سرمایه» دلالت بر آزادی عمل و اطلاق در هر نوع افزایش سرمایه دارد که از جهت عمومیت مستنطب از آن دارای ایراد است، این ایراد زمانی برجسته‌تر به نظر می‌رسد که در ذیل همین بند لازمه این نوع مشارکت تنها تصویب هیئت وزیران بیان شده است. وضعیت حاصل از ترکیب دو مسئله ذکر شده از این جهت که مخالف اصول هفتادوهمم و یکصدویست‌وپنجم قانون اساسی هستند با ایراد مواجهند. ایراد مذکور از این نظر خواهد بود که از یکسو تغییر در میزان سرمایه نوعی عمل معاهداتی است و از دیگر سو نوعی اصلاح در اساسنامه خواهد بود که از این جهت هم نوعی عمل معاهداتی محسوب می‌شود و این در حالی است که در اصل هفتادوهمم آمده است: «عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، قراردادهای و موافقتنامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد» و نیز در اصل یکصدویست‌وپنجم بیان شده است: «امضای عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، موافقتنامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی او است». بنابراین پیش‌بینی روشی که در آن تنها مرجع تصویب افزایش سرمایه - به صورت مطلق - هیئت وزیران باشد - حتی با این فرض که منابع داخلی بانک مرکزی منبع پرداخت این هزینه‌ها بوده و تأمین سرمایه مورد تصویب برای پرداخت به این نهادها از آن مطابق با اصول پنجاه‌ودوم و پنجاه‌وسوم قانون اساسی باشد - به جهت توضیح داده شده خلاف مسلم قانون اساسی خواهد بود.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد

با عنایت به آمار مستند موجود می‌توان دریافت که بانک جهانی در شرایط رونق اقتصادی همواره پروژه‌های موجود در ایران را تأمین مالی کرده و یا کمک‌های بلاعوضی به کشورمان اعطا کرده است، اما در شرایط بحرانی نظیر جنگ و انقلاب (۱۳۵۷-۱۳۶۹) هیچ‌گونه تسهیلات یا کمک بلاعوض به ایران پرداخت نکرده است. همچنین از سال ۱۳۸۴ تاکنون تسهیلات خاصی از سوی بانک جهانی به ایران پرداخت نشده است. موارد و اسناد مورد بررسی نشان می‌دهد که بانک جهانی علیرغم اهداف و شعارهای اولیه تأسیس خود، هم‌سو با کشورهای که با جمهوری اسلامی ایران مخاصمه دارند حرکت کرده و هر دوره‌ای که ایالات متحده و کشورهای اروپایی علیه جمهوری اسلامی ایران اقدامات سختگیرانه‌ای را انجام داده‌اند، بانک جهانی نیز به‌طور ضمنی با آنها هم‌سو بوده است. برای مثال می‌توان به دوره جنگ و انقلاب (۱۳۵۷-۱۳۶۹) و دوره سال‌های (۱۳۸۴-۱۳۹۰) اشاره کرد.

همچنین براساس گزارش بانک جهانی^۱ وضعیت ایران از جنبه‌های حمایت از سرمایه‌گذاری داخلی و اخذ اعتبار تنزل یافته است.

بنابراین می‌توان با عنایت به بحث‌های فوق، نتایج و پیشنهادهای ذیل را ارائه کرد:

۱. با عنایت به اینکه در ذیل ماده واحده (پاراگراف آخر) مشارکت در برنامه‌های آتی افزایش سرمایه، بدون مجوز مجلس شورای اسلامی در نظر گرفته شده است این امر مغایر با قانون اساسی است و لذا عبارت بند سوم ماده واحده مغایر با قانون اساسی است.

۲. هرچند جایگاه ایران با توجه به سهم ۴۶ درصدی آرا در گروه مدیران اجرایی ۱۶ تثبیت شده است و تقریباً نصف حق رأی متعلق به ایران است؛ اما در شرایط فعلی برای حفظ مصالح و منافع ملی و همچنین حفظ جایگاه جمهوری اسلامی ایران افزایش این سرمایه توصیه می‌شود.

۳. سیاست‌های بانک جهانی در قبال ایران دوگانه و هم‌سو با کشورهای متخاصم بوده و هرچند بیم آن می‌رود که اجازه افزایش سهام و سرمایه ایران در این بانک منجر به خروج سرمایه و یا حتی بلوکه شدن آن شود، اما برای نشان دادن حسن‌نیت و حفظ سهمیه ایران این افزایش سرمایه توجیه می‌یابد.

۴. اگر هدف بالا بردن جایگاه و سهم ایران در کل بانک جهانی باشد، این امر نیز با افزایش حدود ۹۸ میلیون دلاری سرمایه امکانپذیر نیست، زیرا هم‌اکنون ایران سهم ۱/۴۸ درصدی دارد و این سهم با افزایش چنین مقدار سرمایه به‌طور مؤثری افزایش نمی‌یابد. لذا بهتر است نسبت به این موضوع که چه میزان افزایش سرمایه منجر به چه میزان افزایش سهمیه و حق رأی می‌شود، دقت لازم مبذول نشود.

با عنایت به موارد فوق تصویب لایحه مورد بررسی هرچند ممکن است از لحاظ اقتصادی توجیه نداشته باشد، اما از لحاظ جنبه‌های سیاسی و بین‌المللی به مصلحت کشور بوده و در شرایط کنونی در راستای منافع ملی است.

1. [http://www.khorasannews.com/home.page\(1390/10/4\)](http://www.khorasannews.com/home.page(1390/10/4))